

شرق

ساخت‌وسازهای غیرقانونی و خارج از محدوده روستای خاوه قم با دستور قضایی تخریب شدند. عکس: محمد محسن زاده، میزان



روزها

تفاوت‌های مؤسسه‌های خیریه و سمن را جدی بگیریم

سمن در صدر کشورها و برزیل با حدود دو میلیون و آمریکا یک‌یکمیلیون و ۴۰۰ هزار سمن در رده‌های بعدی قرار دارند. در کشور ما به دلیل تعدد متولیان که شامل سازمان بهزیستی، وزارت کشور، نیروی

انظامی و... است و هر یک به استاد قانون، مصوبه یا دستورالعملی خود را متولی این موضوع می‌دانند، یک آمار قطعی از سمن‌ها اعلام نشده است. ولی مجموع

این مؤسسه‌ها حدود ۴۰ هزار تشکل برآورد می‌شود. سازمان بهزیستی اخیرا اعلام کرده است ۹ هزار تشکل

مردمی را تحت پوشش دارد. همه این مؤسسه‌ها قابل احترام و تقدیر هستند زیرا هر یک به طریقی به

مردم و اقشار آسیب‌پذیر جامعه ارائه خدمت کرده و می‌کوشند مشکلات مردم را کاهش داده و چراغ امید را در دل آنها روشن نگه دارند. توسعه این تشکل‌ها برای کشور و مردم مفید و ضروری بوده و هر یک سرمایه اجتماعی تلقی می‌شوند. به امید روزی که

متولیان دولتی نیز بپذیرند که این نهادها به آن حد از بلوغ رسیده‌اند که بتوانند خودشان را اداره کنند و از بار مسئولیت صدور مجوز و نظارت بر فعالیت این تشکل‌ها خودشان را خلاص کنند و کار مردم را به خودشان واگذار کنند تا هم هزینه‌های دولت کاهش یابد هم مشارکت مردمی افزایش و سرمایه اجتماعی توسعه پیدا کند. بیشتر کشورهای جهان، اداره امور این تشکل‌ها را به خود مردم واگذار کرده‌اند و دولت‌ها بیشتر نقش سیاست‌گذار و تسهیلگر را بر عهده دارند. برای توسعه بیشتر، سیاست‌گذاری و سامان‌دهی تشکل‌های مردم‌نهاد، پیشنهاد می‌کنیم موارد زیر مورد عنایت برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان قرار گیرد:

۱-واگذاری امور مؤسسه‌های مردم‌نهاد به خود مردم
۲- فرهنگ خیرخواهی، دیگردوستی و مهربانی از

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۶ اسفند ۱۳۹۹ • ۱۲ رجب ۱۴۴۲ • ۲۴ فوریه ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۳۹۴۹ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۸:۱۳

اذان صبح فردا ۵:۱۶ • طلوع آفتاب ۶:۳۹

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌رو

نور نوشت

در تاریخ ۹۹/۱۱/۲۶ مقاله‌ای در «شرق» به چاپ رسید تحت عنوان «وقتی کرده‌ها به فروش می‌روند». این مقاله گزارشی است از فروش کلیه در یکی از روستاهای هرات افغانستان. قیمت هر کلیه بین سه‌هزارو ۸۰۰ تا چهارهزارو ۵۰۰ دلار عنوان شده و بیمارستانی در هرات در پنج سال گذشته بیش از هراز پیوند کلیه انجام داده است. انجام کار پیچیده پیوند کلیه در هرات امر خیری است که به همت متخصصان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۵ شروع شده، اما آنچه سؤال‌برانگیز است، قیمت کلیه است. آیا مردم افغانستان، به‌ویژه اهالی ایالت هرات، قدرت پرداخت چنین هزینه‌ای را برای خرید کلیه دارند؟ آیا ایالت هرات با جمعیت حدود

سه میلیون نفر به اندازه کافی بیمارار نیازمند به پیوند کلیه دارد که در بیمارستان شهر هرات حدود ۲۰۰ پیوند در سال انجام دهد؟ اینها سوآلاتی است که شائبه ایجاد بازاری نو برای گردشگری پیوند را در شهر هرات مطرح می‌کند. گردشگری پیوند پدیده‌ای است که افراد متمول با سفر به کشورهای فقیر و با پرداخت وجهی با تهیه عضو، پیوند می‌شوند. متأسفانه این امر در جهان سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد. به علت شیوع بیماری‌های کلیوی بسیاری از افراد برای نجات از آن نیازمند پیوند کلیه هستند. به علت کمبود عضو جهت پیوند و ممنوع‌بودن تجارت عضو در بسیاری از کشورها، گاه بیماران برای خرید عضو به کشورهای فقیر مراجعه می‌کنند. افراد سودجو هم با توجه به این نیاز برای تهیه عضو، بازار سیاه ایجاد کرده که در نهایت به استمرار طبقه آسیب‌پذیر جامعه منجر می‌شود. در سال‌های گذشته کشورهای نظیر هند، پاکستان، ترکیه، چین یا آفریقای جنوبی در زمینه گردشگری پیوند فعال



رضا سعیدی‌فیروزآبادی*

بودند که با دخالت انجمن‌های پیوند و سازمان بهداشت جهانی، دولت‌های این کشورها مجبور به مداخله و تعطیلی آن شدند. بسیاری از کشورها پس از مشورت با انجمن جهانی پیوند و سازمان بهداشت جهانی، پدیده گردشگری پیوند را ممنوع و غیرقانونی اعلام کرده‌اند. در کشور ما، ایران، نیز گردشگری پیوند غیرقانونی است. نکته جالب در مقاله فوق این است که در کشور افغانستان نیز فروش اعضای بدن غیرقانونی است، ولی به نظر می‌رسد که سودجویان به این کار همچنان ادامه می‌دهند. به نظر می‌رسد اتباع کشورهای مجاور افغانستان یا کشورهای حاشیه خلیج فارس برای دریافت کلیه از افراد آسیب‌پذیر ولایت هرات به آنجا سفر می‌کنند. دخالت والی هرات جهت کمک به این افراد و مقابله با افراد سودجو قابل تحسین است. امید است که با اقدامات قانونی از این عمل غیرقانونی و غیراخلاقی در افغانستان جلوگیری شود.

✦ رئیس بخش پیوند اعضای دانشگاه ایالتی نیویورک

حق‌بان

جان‌سخت چون وکیل مدافع

دیگر مطلب قابل ذکر ایجاد «مدیریت نظارت بر وکلا، کارشناسان، مشاوران و مترجمان رسمی» در معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه است که مغایر با قوانین و مقررات وکالت است. از اهداف این نهاد، نظارت بر رعایت حجاب اسلامی توسط بانوان در مراجع قضائی و فضای مجازی به تخلفات احتمالی و موارد تردید در التزام عملی به اسلام، نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه بوده که تاکنون مخالفت کانون‌های وکلا با این بخش‌نامه به جایی نرسیده است. متأسفانه بخشی از جامعه با نوعی سوءظن به وکلا نگاه می‌کنند که این موضوع مختص به ایران هم نیست. «وکیل خوب، همسایه بد است» یک ضرب‌المثل رایج در غرب است و در ایران با عبارت‌هایی نظیر «آدم زنده وکیل و وصی نمی‌خواهد» آشنا هستیم. این تلقی وجود دارد که هرچه قانون‌شکنی بیشتر یا شرایط اجتماعی و اقتصادی بحرانی‌تر شود، درآمد یک وکیل بالاتر می‌رود، در حالی که پروتوت‌ترین دارالوکاله‌ها در کشور سوئیس دایر است که مردم آن به قانون‌مداری و رعایت نظم شهرت دارند. وکلا از سوءفقد نیز بی نصیب نماندند؛ در خرداد کاوه شوقی، وکیل اهل مهاباد، در حال عبور از جاده مهاباد به بوکان با ضریات متعدد چاقو به قتل رسید و جنازه او در خودروی شخصی‌اش یافت شد. در بهمن نیز خانم پرویش ظفری، هنگام خروج از دادگستری کرمانشاه به ضرب گلوله همسر موکلش به قتل رسید. این همه تنها بخشی از مصائب بود که قابل گفتن است. وکلای مدافع خسته‌جان هستند، اما همچنان جان‌سختانه در میان انبوه فشارها از پله‌های عدلیه بالا و پایین می‌روند تا شاید از کار خلق یک گره بسته و اشود.



ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

در تقویم رسمی اول شهریور «روز پزشک» و پنجم اسفند «روز مهندس» نام‌گذاری شده است، اما هفتم اسفند «روز وکیل‌مدافع» تنها در تقویم منتشرشده توسط کانون وکلای دادگستری دیده می‌شود و قول رئیس جمهور (که پروانه وکالت نیز دارد) در جشن استقلال کانون وکلا در سال ۱۳۹۵ مبنی بر درج این مناسبت در تقویم رسمی، هنوز به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی نرسیده است. همه‌گیری ویروس کرونا صنوف مختلف را در معرض تهدید قرار داد، اما وکلای مدافع به دلیل ضرورت حضور روزانه در مراجع قضائی، کلاتری، زندان و... بیش از دیگران در معرض خطر بودند. سال ۱۳۹۹ را می‌توان یکی از دشوارترین دوران حرفه وکالت دانست که در ادامه نگاهی می‌کنیم به مهم‌ترین رخدادها.

انتخابات هیئتمدیره کانون وکلای دادگستری مرکز که قرار بود در اسفند ۱۳۹۸ انجام شود به دلیل شیوع کرونا با تأخیر در تیرماه امسال برگزار شد. از نکات بدیع این دوره حذف شش نفر از وکلا توسط دادگاه عالی انتظامی قضات پس از تأیید صلاحیت اولیه بود؛ همگی این شش نفر بخت بالایی برای عضویت داشتند. همچنین انتخابات اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) در حالی برگزار شد که در مورد زمان و نحوه برگزاری این اعضا اختلاف نظر و شبهاتی بود



نبی‌اله عشقی‌ثانی

۲۷ فوریه را که امسال مصادف با نهم اسفند است، سازمان ملل متحد روز جهانی مؤسسه‌های مردم‌نهاد نام‌گذاری کرده تا همه کشورها نیکوکاری را بزرگ شمارند و برای توسعه و ترویج بیشتر آن اقدام به تجلیل و تقدیر دیگردوستی و مهرورزی کنند. مؤسسه مردم‌نهاد به هر تشکلی گفته می‌شود که بدون دخالت دولت‌ها ایجاد و اداره شود. کلمه NGO که تأکید بر غیردولتی‌بودن دارد نیز به همین دلیل انتخاب شده است. تشکل‌های مردم‌نهاد در موضوعات متنوعی از جمله امور آموزشی، فرهنگی، تربیتی، مذهبی، توسعه روستا و مناطق محروم، امور ورزشی، محیط زیست، گردشگری، بهداشت و درمان، حمایت از کودکان و خانواده‌های نیازمند، ایام و آسیب‌دیدگان اجتماعی، حمایت از حیوانات و... به فعالیت می‌پردازند. در کشور ما از عنوان خیریه و انجمن نیکوکاری برای هر نوع تشکلی استفاده می‌شود که فعالیت خیرخواهانه و دیگردوست انجام می‌دهد.

برخی نیز بین خیریه و سمن تفاوت قائل هستند. واقعیت این است که همه تشکل‌های مردمی در مسیر دیگردوستی و مهرورزی ارائه خدمت کرده و تلاش می‌کنند تا عشق به آرمان‌های والای انسانی را توسعه دهند. این مؤسسه‌ها می‌توانند بسیار کوچک برای خدمت‌رسانی به تعدادی محدود یا بسیار بزرگ برای مساعدت و همیاری در سطح ملی تشکیل شوند. در سطح جهانی کشور هندوستان با آمار چندمیلیونی

زنان

مبارزه ژاپنی برای ازبین‌بردن تبعیض

کرد که بر اساس برنامه پنج‌ساله جدیدی که دراین‌باره تصویب شده، قرار است هدف برابری جنسیتی در «اولین فرصت» در ۱۰ سال آینده محقق شود. حتی در این برنامه پنج‌ساله نیز که قرار است از آوریل ۲۰۲۱ میلادی اجرا شود، دولت ژاپن میزان حضور زنان در



پست‌های مدیریتی را ۱۴.۸ درصد تخمین زده است که بسیار با معیارهای جهانی فاصله دارد. موضوع اعطای ۳۰ درصد از پست‌های ارشد مدیریتی به زنان اولین‌بار در سال ۲۰۰۳ میلادی در ژاپن مطرح شد تا به این ترتیب جامعه مردسالار این کشور وادار به پذیرش تنوع در مدیریت‌ها شود؛ با این حال، این‌س طرح تاکنون به نتیجه نرسیده و دولت دلیل عدم پیشرفت در این زمینه

طب و جامعه

بازاری نو برای گردشگری پیوند اعضا

دغدغه‌های یک آموزگار

فُحش بدهیم یا ندهیم؟

کامران فریدونی

رها شویم، آمادگی ورود به دنیای آفرینندگان را پیدا خواهیم کرد. خلاقیت یعنی همین. بسا اراده و آگاهانه اندیشه، گفتار و کرداری هدف‌مند را برگزینیم و بدانیم

مسئولیت پیام‌های آنها نیز بر عهده خودمان است. این مهارت یعنی خلاقیت، یادگرفتنی و آموختنی است مانند بسیاری دیگر از درس‌های زندگی. حیف است اگر از نهمته در پشت این پرخاشگری را صرف دامن‌زدن به عدم تفاهم و ناسازگاری و دوری و جدایی کنیم. ما میدانیم که این نوع واکنش‌ها آنها به عادات رفتاری ما تبدیل می‌شوند. نمی‌گویم کاملاً از ابزار احساسات و هیجانات خودداری کنیم، چراکه اصلاً ممکن نیست. اگر جلوگیری‌شان را به‌ترتفندی هم موقتاً سد کنیم، تلبلیار می‌شوند و بعدها آسیب بیشتری به بار می‌آورند؛ اما دست‌کم می‌توانیم در شرایط عادی ادامه‌شان ندهیم که عادت‌مان شود. البته نهم‌تم می‌توان افسارشان را نیز در دست گرفت. پیران خردمند همین کار را می‌کنند. کمتر کسی این رفتارها را تأیید می‌کند. اتفاقاً تریبون‌دارها در سخنان اخلاقی خود همیشه منع و نهی‌مان می‌کنند. از سویی دیگر اگر بگویم دور از اخلاق و دینداری است که نرفت‌تری‌کنیم اما به همه عالم‌وادم فحاشی کنیم، همه دخرسویمان را خواهند دید. آیا هشتدار آن مرد بزرگ را نشنیده‌اید که می‌گفت: «این جهان کوهست و فعل ما ندا؟» اگر رو به کوهستان بایستید و فریاد زنید: دوست‌دارم، پس از لحظاتی صدای شما به خودتان برمی‌گردد که: «دوست‌دارم» و اگر فریاد زنید: «ارت‌منترم» همان به شما برمی‌گردد! هیچ‌کس را هم از این قانون گریزی نیست. هرمنده‌ام به اطلاعات برسانم که قانون هستی خلاف قانون‌های انسانی استنا ندارد. اینها قوانین زندگی هستند و اگر آنها را یاد بگیریم و به فرزندانمان بیاموزیم، دودش به دشمنان خودمان خواهد رفت. مدرسه یکی از بهترین جاها برای آموزش است. زندگی آموختنی است.

عُر، متلک، فُحش، توهین، ابراز انزجار، خشم و تنفر همه از یک جنس هستند. اینها هیجانات و رفتارهایی

واکنشی هستند. بگذاردی برای روشن‌شدن این حرف مثالی بزنم: وقتی دستمان به بخاری داغ می‌خورد بدون درخواست و اراده دستمان را پس می‌کنیم یا بهتر است بگویم خود دستمان با دانش خدادادی (غریزه) که هر عضوی دارد، خودش را پس می‌کشد. با همین روش، قلب بدون اراده و اجازه ما می‌تپد، هر لحظه که نیاز باشد، پلک‌هایمان کاشنه چشممان را مانند یک برف‌پاک‌کن پاکیزه و لیز می‌کند، دم و بازدم می‌آیند و می‌روند بدون اینکه نیازی باشد دربار‌شان فکر کنیم و دستوری بدهیم ... گرسنه و تشنه هم که بنویم بدن نیازهایشان را با روش‌های خود به ما اعلام می‌کند، خلاصه اینکه رفتار بدنمان واکنشی و خودکار است. ذهنمان نیز همین‌گونه است و به کمک بدنمان می‌آید. هنگامی که در پیاده‌رو قدم می‌زنیم ذهنمان در حال تجزیه‌وتحلیل شرایط است؛ درباره حال‌روزور بغل‌دستی، فاصله نفر روبه‌رو، نوع ناهوارهای پیاده‌رو، موتورری که می‌خواهد از کنار دستمان عبور کند و... ذهن اطلاعات لازم را گرفته و تعیین وضعیت می‌کند تا سر به سلامت ببریم. تمام اینها بدون اینکه ما توجهی آگاهانه ارادی داشته باشیم، انجام می‌شوند. ذهن نیز مانند بدن خودکار و واکنشی است. راننده عصبی اتوبوس کمی فرمان را به سمت راست گرفت، نزدیک موتورری شد و فریاد زد: «آخه بوب... ما... نی، مکه چشم کورت نمی‌بینی اینجا خط ویژه اتوبوسه، نه موتورری، آتغال!» و دوتا از آن بوق‌های کشتی را هم جواله‌اش کرد؛ از آن بوق‌ها که وقتی بشنوی قالب تهی می‌کنی؛ در این حال‌روزور در سوز خشک زمستانی تعدادی در صف مرغ یخی با نرخ مصوب ایستاده بودند که آقایی از کنار همه افرادی که به‌خط شده بودند گذشت و وارد مغازه شد و هنوز هیچ معلوم نبود که کیست و چه می‌خواهد که دو، سه نفر